

یک کارشناس اقتصاد در گفت و گو با **سنت** :

بازی بانرخ حامل‌های انرژی، در دسرساز است



سرما به گذاری انجام شود باید درآمدها افزایش

یابد و صرفه جویی تنها می‌تواند از هزینه‌ها بکاهد.

● در ذهن سیاستمداران این تصور غالب شده که گویا ایرانیان سالانه ۱۱۶ میلیارد یورو می‌گیرند و به نظر می‌رسد در تبلیغات انتخاباتی، مبنای بخشی از وعده‌های بزرگ تصور وجود چنین منبعی است. این فهم را متوهمانه می‌توان نامید؟

این یک توهم است که فرض شده این منابع در کشور خرج می‌شود. نرخ تمام‌شده بنزین در ایران مانند نرخ جهانی نیست و از سوی دیگر واقعا منابعی در این بخش (بدون فرض واردات بنزین) صرف نمی‌شود که بتوانند در صورت حذف هزینه‌کرد آن از این بخش، از آن در جهت دیگری استفاده کنند.

برای دستیابی به این منابع موهومی که گاه «بارانه پنهان» نامیده می‌شود، باید کالا و خدمات را به مردم گران‌تر بفروشند. به این ترتیب دولت برای جبران هزینه‌های خود با گرانفروشی دست در جیب مردم می‌کند تا ناترازی‌هایش را جبران کند.

● یک سوال مهم درباره نرخ منطقه‌ای است. بنزین تولید ایران واقعا مشتری بر مبنای نرخ فوب خلیج فارس دارد؟ واقعیت این است که تولیدکنندگان بنزین حتی اگر اراده هم نکنند، در صادرات موفق نخواهند شد، زیرا تحریم برقرار است. همچنین بنزینی که در کشور ما تولید می‌شود، به شدت بی‌کیفیت و آلاینده است؛ از همین رو مشتری چندانی جز افغانستان ندارد.

جالب اینکه طالبان هم چندین بار محموله‌های بنزین تولید ایران را بازگردانده‌اند، چون کیفیت لازم را نداشته است. نرخ فوب خلیج فارس برای بنزینی با کیفیت استاندارد در سطح جهانی است، نه این چیزی که در ایران تولید می‌شود.

● با این وصف فکر می‌کنید رفتن پسابی رفع تحریم‌ها و ثابت نگه داشتن نرخ حامل‌های انرژی بیشترین سود کشور است یا افزایش نرخ هر لیتر بنزین به حدود ۳۵ هزار تومان و تن دادن به طرح «وان»؟

دومی بر مبنای یکسری توهم شکل گرفته و در کشور تجربه شکست روش‌های مشابه را هم داریم. البته راهکار اولی هم یک مسکن است، زیرا در زمان احمدی‌نژاد هم که درآمدهای افسانه‌ای به کشورهای سراریز شد، چالش مسئله نرخ حامل‌های انرژی وجود داشت.

با این همه از آنجایی که اصلاحات اقتصادی با تحمیل شوک اثرات مخربی دارد، با رفع تحریم‌ها و عادی‌تر شدن شرایط کشور، از نوسانات اقتصادی هم کاسته می‌شود که همین زمینه را برای اجرای اصلاحات موفق، با کمترین هزینه اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کند.

این البته به معنای این نیست که تحمیل شوک به اقتصاد در شرایط فعلی که بحرانی است از سوی دولت انجام نشود و همزمان دولت به سمت مدیریت شوک‌های خارج از خود مانند کرونا یا تورم کالاهای صنعتی و واسطه‌ای حرکت کند. به این معنا دولت ناچار است اصلاحات ساختاری را به گونه‌ای در پیش بگیرد که انضباط مالی حاکم شود. البته این امر بدون یک جراحی بزرگ و البته بر هم زدن منافع عده‌ای عملی نخواهد بود.

در این میان باید توجه کنید که در اقتصاد ما رانتهای زیادی وجود دارد که دولت می‌تواند با حذف بخشی از آنها، در واقع هزینه‌های خود را کاهش دهد یا به شکلی دیگر منابع را بازتوزیع کند.

● نرخ حامل‌های انرژی یک مسئله مورد جدال میان دو نامزد انتخابات است. در ۲ دهه گذشته چندین بار قیمت حامل‌های انرژی چند برابر شد و همچنان عده‌ای خواهان افزایش قیمت‌ها هستند. این وضع خاتمه‌پذیر است؟

یک نکته این است که در بخش انرژی میان نرخ‌های داخل کشور و قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی فاصله زیادی وجود دارد، اما نباید اینطور وانمود کرد که گویا این امر ناشی از پرمصرف بودن مردم است.

شکافی که امروز مشاهده می‌کنیم ناشی از تضعیف پی‌درپی ارزش ریال است، و گرنه با حفظ ارزش پول ملی، چنین فاصله‌ای بی‌معنا بود. در واقع باید ارزش پول ملی ثابت می‌بود، به همین دلیل اگر باز هم قیمت‌ها را بالا ببرند و روند تورم کنترل نشود، پس از دو سه سال دوباره با وضعیتی مشابه امروز مواجه خواهیم شد.

● اگر درست در خاطر م‌باشد، در آبان ۹۸ تقریبا نرخ بنزین در ایران و فوب خلیج فارس یکسان شده بود؟

بله؛ در آن مقطع نرخ داخلی و منطقه‌ای بنزین خیلی به هم نزدیک شد. حتی در برهه شیوع ویروس کرونا که نرخ انرژی در جهان افت محسوسی داشت، در ایران نرخ بنزین حتی از نرخ فوب خلیج فارس هم بیشتر شد که این نیز نشان می‌دهد تضعیف ارزش ریال به این شکاف بزرگ دامن زده است.

حتی اشاره به سرانه مصرف بنزین هم نباید این تصور را ایجاد کند که ما با مردمی مسرف مواجهیم، زیرا از یک سو تنوعی در ناوگان حمل‌ونقل وجود ندارد؛ یعنی بار اصلی حمل‌ونقل ایران بر دوش حمل‌ونقل جاده‌ای است و سهم حمل‌ونقل ریلی، دریایی و هوایی به زحمت ۱۰ درصد می‌شود. همزمان با این نقیصه، خودروهای مورد استفاده در ایران هم آلاینده‌ی بیشتری نسبت به استانداردهای جهانی دارند که طبیعا بدون ارتقای فناوری خودروسازی، این نیز ادامه خواهد یافت.

● برای این نکاتی که گفتید کشور نیازمند جذب سرمایه‌گذاری است. با این روش فعلی امکان جذب سرمایه وجود دارد؟

به هیچ وجه، زیرا صرفه‌جویی مبنای آن است. برای اینکه

حمایت باشند تا فقیر نمانند، مجبور به تامین هزینه‌های دولت هم می‌شوند. با این روش به اقتصاد فشاری مضاعف خواهد آمد که در دوره رکود به شدت زیانبار است.

● در مسئله کاهش هزینه‌ها هم به نظر می‌رسد بیشترین فشار به حقوق کارمندان و مستمری بازنشستگان وارد شده است. هزینه‌های جاری باز هم می‌توانند کاهش یابند؟

پرواضح است که روش تاکتونی روشی خسارت‌بار است. در هزینه‌های جاری باز هم جا برای کاهش وجود دارد. به طور خاص ما می‌توانیم حدود ۵۰ درصد پست‌های مدیریتی در ساختار دولتی را بدون اینکه مشکلی پیش بیاید حذف کنیم. پرواضح است که با این روش کسی اخراج نمی‌شود و ساختار مدیریتی چابک هم خواهد شد. این مدیران بیشترین دریافتی‌ها را در میان کارکنان دولت دارند که با این شیوه می‌توانیم بخش مهمی از آن را بکاهیم. ضمن اینکه بخشی از شعب اداری استانی یا شهرستانی می‌توانند حذف یا جمع شوند. در حوزه آموزش عالی هم می‌توانیم همه رشته‌ها و پایه‌های بدون متقاضی را حذف کنیم تا از هدررفت منابع کاسته شود.

● با این وصف دولت دچار مازاد درآمد نمی‌شود؟

اگر با اراده و همت کافی عمل کنند حتما چنین خواهد شد. البته در کشور ما مازاد منابع را می‌توانند طوری اختصاص دهند که به سرعت رفاه عمومی و تامین اجتماعی بهبود یابد. دولت می‌تواند بخشی از منابع مازاد خود را در زمینه توسعه آموزش همگانی و بهداشت و درمان عمومی صرف کند.

● یکی از نامزدهای انتخابات گفت به جای افزایش نرخ بنزین برای جبران کسری بودجه، قصد دارد با رفع تحریم‌ها، درآمدهای کشور را بالا ببرد. این امر عملی است؟

حتما؛ رفع تحریم‌ها به طور چشمگیر و موثری به افزایش درآمدهای کشور منجر خواهد شد، اما نباید با این گزاره درست، تصور کنیم که رفع تحریم‌ها می‌تواند به بی‌انضباطی‌های گسترده مالی و بودجه‌ای خاتمه دهد. مشکل ناترازی بودجه ما به سال‌های پیش از انقلاب برمی‌گردد که هیچ تحریمی هم علیه اقتصاد ایران وجود نداشت.

در واقع در اقتصاد ایران وجود درآمدهای حاصل از فروش نفت خام موجب شد دولت‌مردان بتوانند اصلاحات ساختاری را دائم به تعویق بیندازند، اما نته‌ها آن چالش‌ها رفع نشد، بلکه در شرایطی بحرانی با تمام توان بروز عمومی یافت. پس ما با یک بحران مزمن کسری بودجه مواجهیم که سال به سال تشدید شده است.

یک کارشناس اقتصاد کلان می‌گوید: «رفع تحریم‌ها به طور چشمگیر و موثری به افزایش درآمدهای کشور منجر خواهد شد، اما نباید با این گزاره درست، تصور کنیم که رفع تحریم‌ها می‌تواند به بی‌انضباطی‌های گسترده مالی و بودجه‌ای خاتمه دهد. مشکل ناترازی بودجه ما به سال‌های پیش از انقلاب برمی‌گردد که هیچ تحریمی هم علیه اقتصاد ایران وجود نداشت.»

محمد تقی فیاضی در ادامه تصریح می‌کند: «واقعیت این است که تولیدکنندگان بنزین حتی اگر اراده هم نکنند، در صادرات موفق نخواهند شد، زیرا تحریم برقرار است. همچنین بنزینی که در کشور ما تولید می‌شود، به شدت بی‌کیفیت و آلاینده است؛ از همین رو مشتری چندانی جز افغانستان ندارد. جالب اینکه طالبان هم چندین بار محموله‌های بنزین تولید ایران را بازگردانده‌اند، چون کیفیت لازم را نداشته است. نرخ فوب خلیج فارس برای بنزینی با کیفیت استاندارد در سطح جهانی است، نه این چیزی که در ایران تولید می‌شود.»

آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفت‌وگوی **سنت** با این کارشناس اقتصاد است.

● این روزها مسئله نرخ بنزین و حامل‌های انرژی به کانون جدال‌های نامزدهای انتخاباتی تبدیل شده است. در شرایطی که کشور همزمان با ناترازی بودجه و انرژی مواجه است، دو نامزد دو راهکار ارائه دادند که یکی در پی کاهش کسری بودجه از طریق رفع تحریم‌ها است و دیگری خواهان باز توزیع «بارانه پنهان». برای رفع ناترازی‌های بودجه‌ای باید نرخ انرژی را بالا برد؟

واقعیت این است که ناترازی‌های فعلی کشور ما قابل‌اصلاح است، اما حتما نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و حرکتی منسجم دارد. به طور کلی رفع چالش کسری بودجه یا از طریق افزایش درآمدها محقق می‌شود یا از راه کاهش هزینه‌ها یا اینکه هر دو همزمان اجرا شوند.

با هر روشی که در پیش می‌گیرند در نهایت باید بودجه متوازنی بسته شود که ناترازی عملیاتی آن به صفر برسد؛ ولو در میان‌مدت. چیزی که به‌ویژه در دولت سیزدهم پیگیری شد، افزایش درآمدهای دولتی بود؛ آن هم با استفاده از افزایش مالیات‌ها. اما به دلیل روشی برگزیده برای این کار، فشاری دوچندان را به مردم و فعالان اقتصاد وارد کرده و می‌کنند.

● مالیات به عنوان درآمدی پایدار مطرح شده است. روش اخذ مالیات چگونه بوده که آن را زیانبار می‌دانید؟

مسئله اصلی این است که ما از حدود نیمی از اقتصاددانان مالیات نمی‌گیریم. منظور من آنهایی نیست که فرار مالیاتی می‌کنند، بلکه نهادهای و بنیادهایی هستند که با تصریح قانونی از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. این در حالی است که به اصطلاح برای شفافیت اقتصادی یک ردیف صوری در بودجه برای مالیات این نهادها وجود دارد که صرفا شکلی است.

همچنین وضعیت اقتصادی کشورمان منجر به این شده که بالغ بر ۳۰ درصد حجم اقتصادمان زیرزمینی باشد که پرواضح است این بخش هم مالیاتی نخواهند پرداخت. در نتیجه به‌نوعی با ۲۰ درصد اقتصاد طرف هستیم که از قضا حساب‌و‌کتاب روشنی دارند و به احتمال فراوان تا امروز هم مالیات‌های خود را پرداخته‌اند. به‌طور طبیعی از این بخش نمی‌توان همه

نیازهای درآمدی دولت را تامین کرد؛ پس فشارهای بی‌ضابطه‌ای می‌آوردند. حتی اخیرا شنیدیم که دنبال این هستند تا اگر فردی به یک نفر در زمینه یک واحد مسکونی یا ملک وکالت داد هم مشمول پرداخت مالیات شود. در واقع یک نوع زورگویی حاکم شده است. مالیات زمانی قابل‌اخذ است که معامله‌ای انجام شود، اما کمبود درآمد گویا آنها را به سمت این اقدامات نامتعارف کشانده است.

علاوه بر این اگر به بخش مالیات در درآمد هم نگاه کنیم، نکته جالبی خواهیم یافت؛ در حالی که محاسبات مختلف نشان می‌دهد خط فقر به ۲۸ تا ۳۰ میلیون تومان برای خانوارهای سه‌نفره رسیده دولت اقدام به اخذ مالیات از دستمزد و حقوق بیش از ۱۲ میلیون تومان می‌کند. در واقع افرادی که باید مورد

آگهی عدم تسلیم سند مالکیت

سند مالکیت شش‌دانگ یک باب خانه ساخته شده بشماره پلاک ۴۵۰۷/۱۱۴ واقع در بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۳۱۱۵ صفحه ۱۲۱ دفتر ۱۰۵ بشماره چاپی ۲۶۷۳۶۹ بنام حسین ملا شریفی ثبت و صادر شده است و سپس برابر سند قطعی ۴۱۹۲- ۷/۵/۱۳ دفتر ۴ تهران به میزان سه دانگ به محمدرضا ملا شریفی و مهدی ملا شریفی به میزان یک و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ انتقال قطعی یافته است و سپس حسین ملا شریفی برابر دادنامه حصر وراثت بشماره ۳۶۹- ۸۷/۴/۲۴ شعبه ۱۵۴ دادگاه عمومی تهران فوت نموده و محمدرضا، رضا، علیرضا، حمیدرضا، مهدی، زهرا، معصومه همگی ملا شریفی (فرزندان) و کبری خانم بیطرفان سید (همسر) به عنوان ورثه وی تعیین و معرفی شده‌اند

دادنامه ۳۷۰- ۸۷/۴/۲۴ شعبه مذکور فوت نموده و وراثت فوق تحت عنوان فرزندان به عنوان ورثه وی تعیین و معرفی شده‌اند

سپس آقای مهدی ملا شریفی اصالتا و وکالتا برابر وکالتنامه ۳۱۹۱۰- ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ دفترخانه ۱۳۳۰ تهران از طرف رضا و حمیدرضا و زهرا و معصومه ملا شریفی تقاضای صدور سند مالکیت نسبت به سهم الارث خودشان از پلاک مذکور را نموده‌اند و برابر درخواست ۱۴۰۳/۱۲/۲۵- ۶۹۸- اعلام داشته‌اند که اصل اسناد مالکیت پلاک مذکور نزد محمدرضا ملا شریفی می‌باشد لذا در اجرای تبصره ۳ ماده ۱۲۰ آ.ق.ت مراتب طی اطلاع‌داری شماره ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ به نامبرده ابلاغ گردیده که به جهت عدم حضور در محل المواق گردیده که سند مالکیت را ارائه نمایند در موعد مقرر ارائه نگردیده لذا مراتب در یک نوبت آگهی گردیده تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت سند مالکیت وراثت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی ثبت محل: خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نیش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی (شناسه آگهی: ۸۹۸/۱۷۴۴۴)

الیاس صهباء - رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران
۱۷۱۷۱/م الف

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج

نظر به دستور مواد (۳) قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۳/۰۲/۰۶۲۷۱۰۱۲۸۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۳ موضوع ماده یک قانون مذکور تصرفات متقاضی آقا/خانم سیدمرتضی تقی حسینی فخر نسبت به شش‌دانگ یک باب منزل به مساحت ۱۳۴/۸۰ متر مربع قسمتی از پلاک - فرعی از ۱۴۸ اصلی واقع بخش ۹ مشهد (۸۰ مقصدار) ۲۷/۴۴ متر مربع از مالکیت موقوفه میرزا ابوصالح رضوی که در اجرای طرح تبدیل به احسن املاک موقوفه برابر مباحثه‌نامه به متقاضی انتقال و مابقی خریداری از ابراهیم کشمیری) تأیید گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۲ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار

نوبت اول
۲۲/۰۴/۱۴۰۳

و در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند.

معرض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

بهروز صائبی، مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد، منطقه پنج
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱